

The United States of America and the Construction of the Perception of the Threat From the Islamic Republic of Iran in Terms of Terrorism

Ebrahim Bagheri¹ | Mohammad Gheisari²

Abstract

This article examines the approach of the United States of America in creating and constructing a perception of the threat from the Islamic Republic of Iran on the subject of terrorism and extending this perception to security-building audiences. The hypothesis is that the United States is leveraging terrorist charges against Iran in order to restore international consensus and legitimize actions and pressures against Iran. In this regard, the United States, as a security-building player, is trying to extend its security and threatening perception of Iran to the security-building audience within the framework of a "two-level (layer) strategy". In the first level; The United States is trying to persuade its security-building audience by focusing on terrorist charges against Iran in third countries. At the second level; By taking an aggressive approach, the United States has sought to establish and apply countermeasures (ranging from calling the Revolutionary Guards and allied forces terrorist to collaborating with terrorist groups against Iran) and supporting its allies in countering this threat. The research findings show that although the United States has been relatively successful in the first level of the threat- building (persuasion) strategy, it has not been able to gain the necessary support from the security audience in the second level (the threat relief solution). The method used in this article is descriptive-analytical and the tools of libraries, documents, electronic resources and websites and statements of relevant authorities have been used to collect data.

Keywords: Perception of Threat, Terrorism, United States of America, Islamic Republic of Iran.

118

Vol. 31
Spring 2022

Research Paper

Received:
5 April 2021
Accepted:
8 September 2022
P.P: 167-198

ISSN: 1025-5087
E-ISSN: 2654-4971



DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.1.6.3

1. Corresponding Author: PhD Student in Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
Ebagheri6868@yahoo.com
2. PhD Student in Islamic Revolution Studies, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran

ایالات متحده آمریکا و بر ساخت ادراک تهدید از جمهوری اسلامی ایران در موضوع تروریسم

ابراهیم باقری^۱ | محمد قیصری^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی و واکاوی رویکرد ایالات متحده آمریکا در خلق و بر ساخت ادراک تهدید از جمهوری اسلامی ایران در موضوع تروریسم و تسری این ادراک به مخاطبان امنیتی سازی می پردازد. فرضیه پژوهش این است که ایالات متحده با طرح اتهامات تروریستی علیه ایران به دنبال بازیابی اجماع بین المللی و مشروعیت بخشی به اقدامات و فشارها علیه ایران است. در این راستا ایالات متحده آمریکا به عنوان بازیگر امنیتی ساز، تلاش دارد تا ادراک امنیتی و تهدیدآمیز خود از ایران را در چارچوب یک «استراتژی دوسطحی (لایه)» به مخاطبان امنیتی سازی تسری دهد. در سطح اول؛ ایالات متحده با محوریت طرح اتهامات تروریستی متناسب به ایران در خاک کشورهای ثالث، سعی در اقناع مخاطبان امنیتی سازی دارد. در سطح دوم؛ ایالات متحده با اتخاذ یک رویکرد تهاجمی، سعی در ایجاد و کاربست سازوکارهای مقابله ای (در طیفی از اقدامات از تروریستی خواندن سپاه پاسداران و نیروهای هم سو گرفته تا همکاری با گروه های تروریستی علیه ایران) با انگیزه همراهی و مشارکت متحدان خود در مقابله با این تهدید بر ساخته داشته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که اگرچه ایالات متحده آمریکا در سطح اول استراتژی تهدیدسازی (اقناع) نسبتاً موفق بوده است؛ اما در سطح دوم (راه چاره خلاصی از تهدید) نتوانسته است همراهی لازم مخاطبان امنیتی سازی را به دست آورد. روش مورد استفاده این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و از ابزار کتابخانه ای، اسنادی، منابع الکترونیکی، پایگاه های اینترنتی و اظهارات مقامات مربوطه برای گردآوری داده ها استفاده شده است.

کلیدواژه ها: ادراک تهدید؛ تروریسم؛ ایالات متحده آمریکا؛ جمهوری اسلامی ایران.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۰/۰۶/۱۷

صص: ۱۹۸-۱۶۷

شاپا چاپی: ۵۰۸۷-۱۰۲۵
الکترونیکی: ۴۹۷۱-۲۶۵۴



DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.1.6.3

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Ebagheri6868@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

مقدمه

موضوع تروریسم همواره از مهم‌ترین حوزه‌های چالش برانگیز و تنش‌زا میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا بوده است. سابقه طرح اتهامات تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران، به ژانویه ۱۹۸۴ برمی‌گردد که ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را ذیل فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داد. فهرستی که پیش از این (۲۹ دسامبر ۱۹۷۹) توسط وزارت خارجه آمریکا با گنجاندن کشورهایی هم‌چون لیبی، عراق، سوریه، یمن جنوبی و کوبا (۱۹۸۲) شکل گرفته بود (۱). در دهه ۱۹۹۰ نیز رویکرد ایالات متحده در ارتباط با ایران در موضوع تروریسم بدون تغییر باقی ماند و حتی وارن کریستوفر ۱ وزیر امور خارجه وقت آمریکا، ایران را به اتهام رابطه با تروریسم، کشور «یاغی بین‌المللی» ۲ خطاب کرد (سولینو، ۱۹۹۳) و متعاقب آن قانون تحریم‌های ایران و لیبی ۳ معروف به قانون داماتو (۱۹۹۶) به تصویب رسید.

حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نقطه عطفی در موضوع تروریسم بود که منجر به تحول در ادراک ایالات متحده از تهدیدات و نحوه مواجهه با آن شد. واکنش پرخاشگرانه دولت جرج بوش به این حوادث و سیاست عدم تحمل آمریکا منجر به حمله و اشغال افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) به بهانه مقابله با تروریسم شد و ایران را نیز در کانون توجهات و حملات لفظی آمریکا قرار داد. در این راستا دولت نومحافظه کار جورج بوش با طرح مفهوم «محور شرارت»، به اتهامات دولت‌های پیشین آمریکا علیه ایران در موضوع تروریسم، سویه تهاجمی تری داد. با روی کار آمدن باراک اوباما، سیاست‌های تهاجمی دولت بوش در قبال ایران تا اندازه‌ای تعدیل شد. هرچند که به اعتقاد برخی، این تغییر نگرش از دولت دوم بوش (۸-۲۰۰۴) و به واسطه ناکامی آمریکا در مدیریت پس از جنگ افغانستان و عراق اتخاذ شده بود (غرایاق‌زندى، ۱۳۸۷: ۸۳).

با روی کار آمدن دونالد ترامپ، استراتژی آمریکا در موضوع تروریسم در ارتباط با ایران به‌نوعی بازگشت به الگوی فکری نومحافظه کاران دوران بوش بود که در آن عناصر آرمان‌گرایانه به مراتب قوی‌تر و مشخص‌تر از واقع‌گرایی دوره اوباما بود. در واقع دولت ترامپ، به‌ویژه پس از خروج از برجام، به دنبال امنیتی‌سازی همه‌جانبه مسائل مرتبط با ایران هم‌چون برنامه هسته‌ای،

1. Warren Christopher
2. International Outlaw
3. Iran and Libya Sanctions Act (ILSA)

موشکی، اقدامات منطقه‌ای و تروریسم، با هدف بازیابی اجماع بین‌المللی علیه ایران بود که به اعتقاد وی با توافق برجام از بین رفته بود. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی رویکرد ایالات متحده در تهدیدسازی از ایران با توجه به متغیر تروریسم در سه بخش می‌پردازد. در بخش اول و به منظور ارائه تبیین نظری متناسب با موضوع پژوهش، از «امنیتی‌سازی و برساخت تهدید» که از انگاره‌های اصلی مکتب کینهاگ است، استفاده شده است. بخش دوم، رویکرد ایالات متحده در طرح اتهامات تروریستی علیه ایران را بررسی می‌کند. بخش سوم به اقدامات و سازوکارهای مقابله‌ای ایالات متحده با این تهدیدات برساخته می‌پردازد و در پایان، نتایج پژوهش ارائه می‌شود. روش مورد استفاده این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است. در این راستا از منابع مختلف شامل کتاب، مقاله، منابع اینترنتی، اظهارنظرهای مقامات مربوطه، گزارش‌ها و اسناد منتشرشده در نهادهای رسمی ایالات متحده هم‌چون گزارش‌های سالانه وزارت خارجه آمریکا در خصوص تروریسم^۱، اسناد بودجه مصوب کنگره آمریکا^۲ در بخش‌های مختص به ایران و ...، از جمله منابع مورد استفاده در این پژوهش بوده است. اهمیت پژوهش حاضر در این است که به بررسی این موضوع می‌پردازد که ایالات متحده آمریکا چگونه و مبتنی بر چه سازوکارها و توجیهاتی درصدد پیش‌برد این رویکرد (برساخت ادراک تهدید) است. از طرفی با توجه به حجم عظیم ادبیاتی که به زبان لاتین و عمدتاً با رویکرد انتقادی به ایران در این خصوص نوشته شده که توجیه‌کننده گفتمان تهدیدسازی و امنیتی‌سازی ایالات متحده آمریکاست، پژوهش‌هایی از این دست ضمن شالوده‌شکنی از این گفتمان و آشکارسازی اهداف آمریکا، می‌تواند راه‌گشای سیاست‌گذاران دستگاه دیپلماسی و امنیتی کشور باشد.

در حوزه مطالعه موردی پژوهش حاضر؛ یعنی متغیر تروریسم در نسبت میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، پژوهش‌هایی هم‌چون «سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و تروریسم در منطقه خاورمیانه پس از یازدهم سپتامبر (مطالعه موردی: عراق)» (تخشید و جلائیان مهری، ۱۳۹۶)، «تروریسم به مثابه ابزار رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌ها» (حسینی نصرآبادی، ۱۳۹۹)، «ایران، ایالات متحده و جنگ با تروریسم^۳» (بهجه^۱، ۲۰۰۳)، «ایران، تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی^۲»

1. Country Reports on Terrorism
2. Justification Congressional Budge
3. Iran, the United States, and the War on Terrorism

(بايمن^۳، ۲۰۰۸)، «شاخص قدرت نظامی ایالات متحده»^۴ (فیلیپس^۵، ۲۰۲۱) نیز اگرچه موضوع تروریسم را از جوانب مختلفی در کانون پژوهش خود قرار داده‌اند، با این وجود محتوا و اهداف این پژوهش‌ها همان گونه که از عناوین آن‌ها نیز برمی‌آید، متفاوت از زوایه نگرش پژوهش حاضر است که از منظر نظریه‌های امنیتی‌سازی و تهدیدانگاری به موضوع ورود کرده است. در حوزه کاریست نظریات امنیتی‌سازی و تهدیدانگاری در موضوعات فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، پژوهش‌هایی هم‌چون «رویکرد ایالات متحده آمریکا در امنیتی‌سازی و تهدیدسازی از برنامه فضایی ایران» (قیصری و باقری، ۱۳۹۹) و «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران» (مرادی‌فر و امیدی، ۱۳۹۳) انجام شده است. پژوهش‌های مذکور از این جهت که امنیتی‌سازی را رویکرد اصلی خود در بررسی موضوع پژوهش قرار داده‌اند، با پژوهش حاضر مشابه‌اند؛ اما از جهت مطالعه موردی که برنامه فضایی و برنامه هسته‌ای است، با پژوهش حاضر (موضوع تروریسم) متفاوت است. به‌طور کلی مروری بر ادبیات موجود نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های قابل‌ی در زمینه‌های تبیین تئوریک امنیتی‌سازی و مکتب کپنهاگ و موضوع تروریسم به‌صورت مجزا انجام شده است؛ اما تاکنون پژوهشی با توجه به این حوزه تئوریک که به تبیین رویکرد ایالات متحده آمریکا در تهدیدسازی از ایران در موضوع تروریسم پرداخته باشد، وجود ندارد و همین امر نگارش پژوهش حاضر را ضروری می‌کند.

۱- روش‌شناسی و مبانی نظری پژوهش

امنیتی‌سازی از انگاره‌های اصلی مکتب کپنهاگ است که با انتشار کتاب «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»^۶ توسط بری بوزان، الی ویور و جاپ دووولد^۷ وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد. از منظر مکتب کپنهاگ، امنیتی‌سازی کنشی کلامی است که به‌صورت بیناذهنی^۸ شکل گرفته و در

1. Bahgat
2. Iran, Terrorism, and Weapons of Mass Destruction
3. Bayman
4. Index of US Military Strength
5. Philips
6. Security: A New Framework for Analysis
7. Barry Buzan, Ole Waever & Jaap de Wilde
8. Inter Subjective

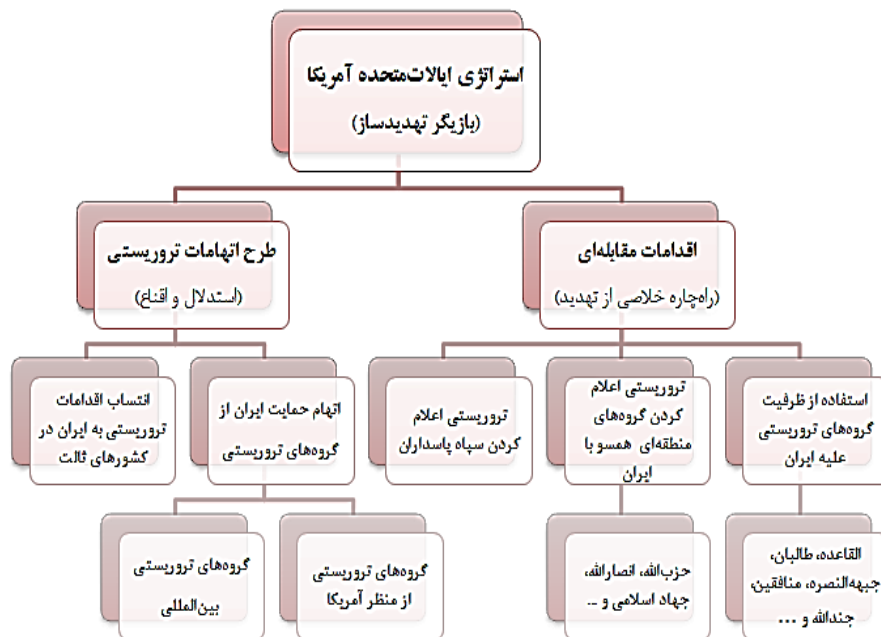
آن بازیگر امنیتی ساز^۱ با جلوه دادن یک موضوع به عنوان تهدید وجودی، اقدامات فوری و استثنایی برای مقابله با آن را توجیه می کند (استریتزل^۲، ۲۰۰۷: ۳۵۸). این مسأله از یک سو نشان دهنده این است که تهدیدها با اتکا به اذهان شکل می گیرند و از سوی دیگر نشان می دهد که تهدیدها لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیستند، بلکه ایجاد باور مشترک و جمعی مبنی بر تهدید آمیز بودن پدیده ای، مقابله با آن و تأمین امنیت را توجیه پذیر می کند. در این چارچوب موضوع از حوزه سیاست های عادی به حوزه سیاست های اضطراری انتقال می یابد، بنابراین می توان گفت که امنیتی سازی، به خارج ساختن یک مسأله از حوزه سیاست عادی و واردسازی آن به قلمرو سیاست اضطراری از طریق بازنمایی آن به مثابه تهدید وجودی اشاره دارد (زارع زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۹۳).

از نظر مکتب کپنهاگ، بازیگر امنیتی ساز ممکن است فرد، گروه یا دولتی باشد که موضوعات را با اظهار این مسأله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید است، امنیتی می سازد (امیدی و مرادی فر، ۱۳۹۳: ۱۲۷). تهدید وجودی به حدی از تهدید اشاره دارد که موجودیت را به خطر می اندازد و به همین دلیل، رسیدگی به آن در اولویت قرار می گیرد. ویور معتقد است با استناد به تهدید وجودی، کنش گر قادر است قواعد عادی بازی سیاسی را بشکند (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۰).

از نظر ویور هر چند در امور امنیتی شده به تهدید وجودی اشاره می شود؛ ولی لزوماً تهدیدی وجود ندارد، بلکه یک موضوع یا مرجع امنیتی^۳ از طرف بازیگر یا بازیگران امنیتی کننده ای^۴ به صورت یک تهدید جلوه می کند؛ لذا تجلی هر موضوعی به مثابه تهدید، بسیار مهم تر از وجود پدیده عینی تهدید آمیز است. کنش گر یا بازیگر امنیتی ساز برای اقناع مخاطب خود به منظور تهدید نشان دادن موضوعی به مثابه تهدید وجودی، باید بتواند استدلال ارائه کند. در حقیقت قدرت استدلال علاوه بر ایجاد قطعیت در وجودی بودن تهدید، پذیرش مخاطبان برای انجام اقدامات غیرعادی فوق العاده جهت دفع آن را حتمی می کند. ویور بر این مسأله تأکید می کند که استدلال بازیگر امنیتی کننده علاوه بر نشان دادن تجلی تهدید، باید ارائه دهنده راه چاره و خلاصی از این تهدید نیز باشد (ویور، ۵، ۱۹۹۳: ۴۸). توفیق در امنیتی کردن موضوعات، علاوه بر تلاش های مؤثر

1. Securitizing Actor
2. Stritzel
3. Referent object
4. Securitizing actors
5. Waever

بازیگر امنیتی ساز، به مخاطبان کنش امنیتی بستگی دارد که موضوع را به عنوان تهدیدی وجودی برای منافع و ارزش های مشترک می پذیرند بنابراین، زمانی پدیده ای امنیتی می شود که طی فرآیندی، بازیگر امنیتی ساز آن را امنیتی کند و مخاطبان نیز بپذیرند. بر این اساس اعتقاد به «تجلی تهدید» و «پذیرش عمومی» دو رکن اصلی «منطق امنیتی کردن» را شکل می دهند (فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۱۶). مبتنی بر فرضیه پژوهش حاضر، تهدیدسازی از جمهوری اسلامی ایران در موضوع تروریسم از محورهای اصلی رویکرد فشار حداکثری دولت ترامپ بود که با خروج ایالات متحده از برجام وارد فاز جدیدی شد. در این چارچوب ایالات متحده با استفاده از یک استراتژی دو سطحی درصدد کاربست متغیر تروریسم در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران است. طرح اتهامات تروریستی در سطح اول این رویکرد قرار دارد. در سطح دوم، گنجانیدن نهادها و بخش هایی از دولت جمهوری اسلامی ایران در فهرست تروریسم و استفاده از گروه های تروریستی شناخته شده بین المللی برای مقابله با آنچه که تهدید ایران بازنمایی می شود، قرار دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی استراتژی تهدیدسازی ایالات متحده آمریکا از جمهوری اسلامی ایران در موضوع تروریسم (منبع: تهیه شده توسط نگارندگان).

۲- استدلال بازیگر امنیتی ساز؛ طرح اتهامات تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران

طرح اتهامات تروریستی در زمره فراگیرترین ابزارهای تهدیدساز ایالات متحده از چهره جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ چراکه اولاً مفهوم تروریسم جنبه‌ای فراگیر، پیچیده و در عین حال مبهم دارد؛ لذا بالذات قابلیت پردازش مفهومی زیادی دارد و ایالات متحده با کمک گفتمان تروریسم جهانی به تولید ادبیات موردنظر علیه ایران می‌پردازد. ثانیاً بروز برخی اقدامات تروریستی در اروپا در سال‌های اخیر مانند انفجار تروریستی در پاریس و بروکسل (سال ۲۰۱۶)، تأثیرات ملموسی بر زندگی و امنیت شهروندان غربی و در نتیجه ادراکات، باورها و ارزش‌های آن‌ها داشته است. در همین راستا طرح اتهامات تروریستی منتسب به ایران در کشورهای مخاطب جامعه امنیتی‌سازی، از مهم‌ترین رویکردهای ایالات متحده در معرفی ایران به مثابه یک تهدید تروریستی است. به عنوان مثال گزارش سالیانه تروریسم وزارت خارجه آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را به انجام عملیات تروریستی در آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا، خاورمیانه، آسیا و آفریقا متهم کرده و ادعا می‌کند که «ایران این اقدامات را از طریق سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات یا گروه‌های نیابتی انجام داده است» (گزارش تروریسم وزارت خارجه آمریکا^۱، ۲۰۱۹). هم‌چنین بنیاد هریتج نیز در گزارش سالیانه خود با عنوان «ارزیابی تهدیدات فراروی منافع حیاتی ایالات متحده»^۲، ضمن طرح فهرست بلندبالایی از اتهامات تروریستی علیه ایران در نقاط مختلف دنیا، تهدیدات تروریستی ایران و متحدانش را مهم‌ترین تهدید بالقوه فراروی ایالات متحده می‌داند که باید برای جلوگیری از آن اقدامات لازم صورت گیرد (فیلیس، ۲۰۲۱: ۲۸۰-۲۷۹).

۲-۱- طرح اتهامات تروریستی علیه ایران (با محوریت اروپا)

اروپا مهم‌ترین مخاطب ایالات متحده در پیش‌برد استراتژی تهدیدسازی از جمهوری اسلامی ایران در حوزه تروریسم است؛ چراکه اولاً، اروپا بزرگترین شریک امنیتی ایالات متحده زیر چتر امنیتی ناتو است؛ ثانیاً، بزرگترین شریک تجاری ایالات متحده و هم‌زمان در برهه‌هایی به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران بوده است؛ لذا در موضوع لغو تحریم‌ها و تعهدات طرفین ذیل

1. Country Reports on Terrorism
2. Assessing Threats to U.S. Vital Interests

برجام، ایران حساب ویژه‌ای در موضوعات تجاری و اقتصادی (متناسب با تعهدات‌شان) بر روی اروپا باز کرده بود. بر این اساس ایالات متحده با وقوف بر این امر که توانایی در اجماع‌سازی^۱، مهم‌ترین مؤلفه در تأثیرگذاری اهرم‌های فشار علیه جمهوری اسلامی ایران است، نیازمند همراهی اروپا و نهادهای اتحادیه اروپا با سیاست‌های این کشور بود. به‌عنوان مثال هم‌گرایی بی‌سابقه فرآتلانتیک در دوره اوباما، توانایی اجماع‌سازی پیرامون برنامه هسته‌ای ایران را که منجر به توافق برجام شد، برای آمریکا فراهم آورد. مضافاً اینکه موضوع تروریسم حساسیت و اولویت بالایی برای اروپا و نهادهای اروپایی دارد (هیکس و دالتون^۲، ۲۰۱۷). در گزارش بیناد هریج، اقدامات ایران از منظر رفتاری خشونت‌آمیز و نیز ظرفیت و توانایی تجمیع تهدیدات بالقوه و بالفعل، به‌عنوان بزرگترین چالش منافع ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای این کشور در خاورمیانه و اروپا معرفی شده است (شاخص قابلیت‌های نظامی ایالات متحده آمریکا^۳، ۲۰۲۱: ۲۹۸).

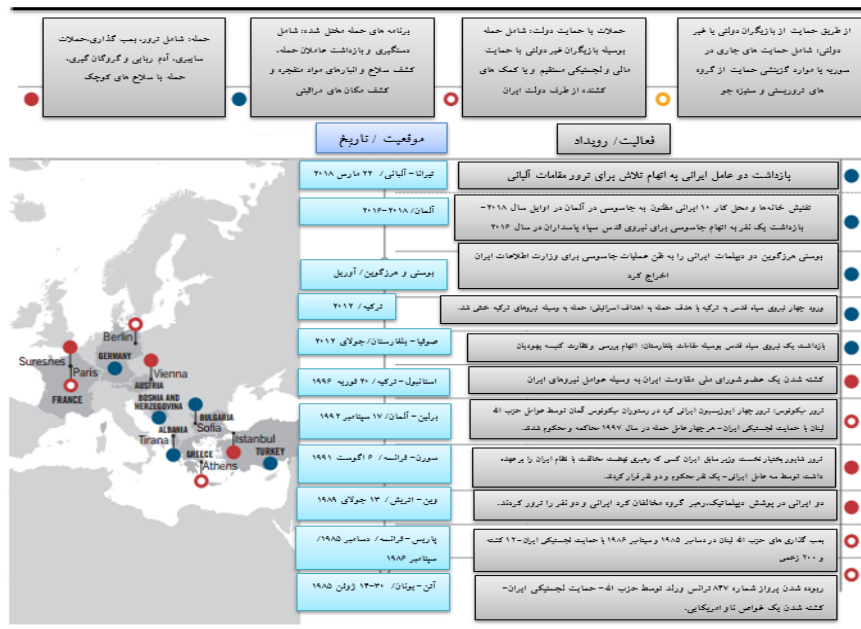
با خروج ایالات متحده از برجام و تلاش ترامپ برای همراهی متحدان اروپایی با این اقدام، طرح اتهامات تروریستی علیه ایران در دستور کار قرار گرفت. این موضوع هم‌زمان با اعلام اتحادیه اروپا برای شروع سازوکارهای خود برای حفظ برجام، در چندین حوزه فاز عملیاتی به خود گرفت. در این راستا ابتدا منافقین، اسرائیل و عربستان سعودی با حمایت آمریکا برای به شکست کشاندن قوانین مسدودساز اتحادیه اروپا^۴ (با هدف ایجاد کانال‌هایی برای تجارت با ایران) در پارلمان اروپا، دست به اقداماتی برای طرح اتهامات تروریستی علیه ایران زدند (ممداف^۵، ۲۰۱۸: ۴-۶). متعاقب شکست چندین طرح برای عدم تصویب سازوکارهای اروپایی برای حفظ برجام، ایالات متحده آمریکا با طرح ادعاهایی درباره قصد ایران مبنی بر انجام حملات تروریستی در خاک اروپا، جبهه جدیدی با هدف متقاعد کردن اروپا برای همراهی با رویکرد آمریکا در قبال ایران گشود. در این راستا و با هدف باورپذیری تهدیدات ادعایی تروریستی ایران در خاک اروپا، مایک پمپئو وزیر خارجه وقت آمریکا گفت: «درحالی که ایران در تلاش است اروپا را به ماندن در توافق هسته‌ای متقاعد کند، هم‌زمان به‌طور پنهانی در حال طراحی حملات تروریستی در قلب

1. Consensus Building
2. Hicks and Dalton
3. 2021 Index of U.S. Military Strength
4. EU Blocking Regulation or Blocking Statute
5. Mamedov

این قاره است» (رویترز به نقل از پمپئو^۱، ۲۰۱۸). در همین راستا گزارش سالیانه تروریسم وزارت خارجه آمریکا نیز بیان می‌کند «دولت ایران، همانند سال‌های گذشته، به حمایت از اهداف تروریستی برای حمله به مخالفان ایرانی در چندین کشور قاره اروپا ادامه داده است. در سال‌های گذشته هلند، بلژیک و آلبانی، شماری از مقام‌های رسمی دولت ایران را که در چندین طرح تروریستی در قلمرو آن‌ها دست داشته‌اند، دستگیر یا اخراج کرده‌اند. دانمارک هم پس از مطلع شدن از طرحی با حمایت ایران برای کشتن مخالفان ایرانی در آن کشور، سفیر خود را از تهران فراخواند» (گزارش تروریسم وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۱۹). ریچارد گرنل^۲، سفیر وقت آمریکا در آلمان نیز در همین راستا در مصاحبه با واشنگتن فری بیکن ادعا کرده بود که «ایران از تروریسم به‌عنوان سلاح در اروپا استفاده می‌کند. باید برای کشف طرح‌های آن‌ها و متوقف کردن‌شان قبل از موفقیت، هوشیار باشیم» (کریدو^۳، ۲۰۱۸). لارنس نورمن و متیو دالتون^۴ در گزارشی در وال‌استریت ژورنال (۳ اوت ۲۰۱۸) هم‌زمانی سفر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران به اروپا و بازداشت پنج نفر از جمله یک دیپلمات ایرانی به اتهام تلاش برای بمب‌گذاری در نشست مناقصین در پاریس و متعاقب آن تلاش‌های آمریکا، مناقصین و اسرائیل را برای متهم کردن ایران، در چارچوب همین تهدیدسازی برآورد کرده و معتقدند این اقدامات در راستای برنامه گسترده‌ای است که قرار است با حمایت دولت آمریکا و جمهوری خواهان کنگره، تهدید حملات تروریستی ایران در اروپا در آینده را بزرگ‌نمایی کرده و منجر به شکاف در حمایت یکپارچه اروپا از توافق هسته‌ای شوند (نورمن و دالتون^۵، ۲۰۱۸: ۳-۵). هم‌راستا با این اقدامات، «مرکز ملی مبارزه با تروریسم آمریکا»^۶ که از نهادهای دولتی این کشور است، گاه‌شماری از آنچه حملات ادعایی تروریستی منتسب به ایران (شامل حملات، برنامه‌ریزی، پشتیبانی مالی و لجستیکی برای حملات) در اروپا خوانده، تهیه کرده و با نقشه و جدول زمانی، در اختیار رسانه‌ها قرار داده است (نگاه کنید به شکل ۲) (وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۱۸).

1. Reuters, Quoted from Pompeo
2. Richard Allen Grenell
3. Kredo
4. Laurence Norman and Matthew Dalton
5. Norman and Dalton
6. national counter terrorism centre
7. US Department of State

ایالات متحده آمریکا و برساخت ادراک تهدید از جمهوری اسلامی ایران در موضوع تروریسم

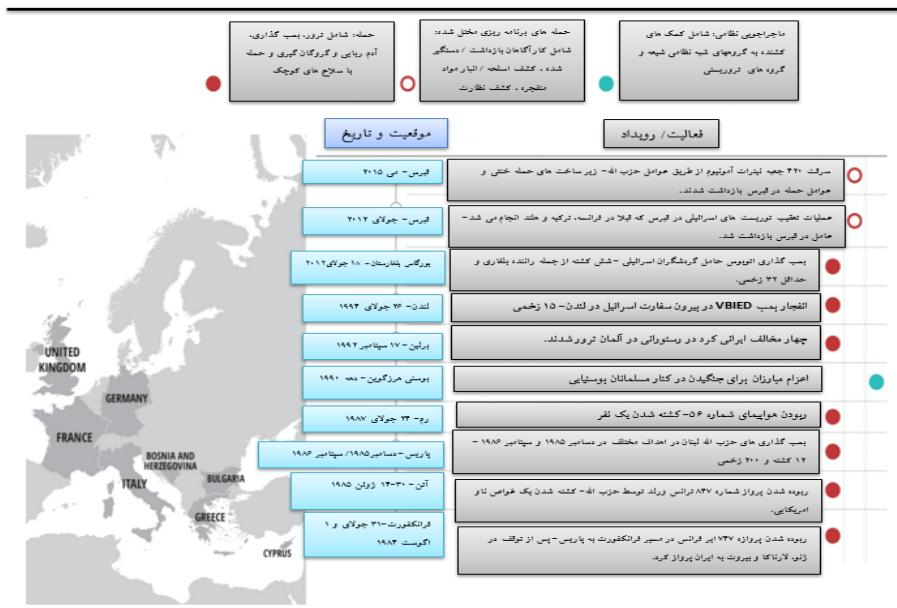


شکل ۲. اتهام حملات تروریستی به ایران در اروپا ۲۰۱۸-۱۹۷۹ (مرکز مبارزه با تروریسم آمریکا) (منبع: مرکز ملی مبارزه با تروریسم وزارت خارجه آمریکا، ۵ جولای ۲۰۱۸)

پایگاه خبری تحلیلی پولیتیکو نیز ضمن طرح اتهام تروریستی به اسدالله اسدی دیپلمات ایرانی در بلژیک، به این مسأله اشاره می کند که این پرونده احتمالاً پیامدهای مهمی در روابط اتحادیه اروپا و ایران خواهد داشت و در زمانی که تغییر در دولت آمریکا ممکن است به احیای توافق هسته‌ای ایران کمک کند، احتمالاً دوباره مسأله تروریسم سربر آورده و چالش‌زا خواهد شد. از منظر این گزارش این مساله با توجه به قدرت نرم و اجماع‌سازی دموکرات‌ها می تواند تنش در روابط ایران و اتحادیه اروپا را بیشتر کند؛ موضوعی که ایالات متحده در دولت‌های مختلف و با روش‌های گوناگون در پی آن بوده است (هرزنهارن^۱، ۲۰۲۰). طرح اتهامات و حملات ادعایی تروریستی علیه اروپا، صرفاً به جمهوری اسلامی ایران محدود نبوده و گروه‌های مورد حمایت ایران هم چون حزب الله لبنان را نیز در برمی گیرد (نگاه کنید به شکل ۳) (وزارت خارجه آمریکا^۲، ۲۰۱۸).

1. Herszenhorn
2. US Department of State

بنیاد هریتیج^۱ با ارجاع به این فهرست، در گزارشی می‌نویسد: «حزب‌الله متحد ایران، حملات تروریستی متعددی در اروپا از دهه ۱۹۸۰ انجام داده تا به مجازات کشورهای که از عراق در جنگ سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۸ حمایت کرده بودند، ادامه دهند. در سال ۲۰۱۲ حزب‌الله یک بمب گذاری انتحاری را در یک اتوبوس حامل گردشگران اسرائیلی در بورگاس بلغارستان انجام داده است که شش نفر طی آن کشته شدند» (فیلیس، ۲۰۱۸). همچنین مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی^۲ در سندی با عنوان «بازدارندگی پساتوافق هسته‌ای در برابر ایران»^۳، که با هدف اعمال استراتژی مطلوب برای دولت ترامپ در قبال ایران تهیه شده، به تعهد آمریکا به امنیت منطقه از طریق تقویت ظرفیت‌های شرکای منطقه‌ای و توانمندسازی آن‌ها برای مقابله با ایران اشاره می‌کند (هیگس و دالتون، ۲۰۱۷).



شکل ۳: حملات ادعایی تروریستی حزب‌الله در اروپا ۲۰۱۷-۱۹۸۳ (مرکز مبارزه با تروریسم آمریکا)
 منبع: مرکز ملی مبارزه با تروریسم وزارت خارجه آمریکا، ۵ جولای ۲۰۱۸

1. The Heritage Foundation
2. Center for Strategic and International Studies (CSIS)
3. Detering Iran After the Nuclear Deal

علاوه بر اروپا به عنوان اصلی ترین مخاطب تهدیدسازی، ایالات متحده سعی کرده است اتهامات تروریستی منتسب به ایران یا گروه‌های مورد حمایت این کشور را در سایر کشورها نیز مطرح کند. در همین راستا وزارت خارجه آمریکا در گزارشی با عنوان «ترورها و فعالیت‌های تروریستی ایران در خارج از کشور»، ادعا می‌کند که «ایران بعد از انقلاب اسلامی، در بیش از ۴۰ کشور جهان، درگیر ترورها، برنامه‌ریزی برای ترور و حملات تروریستی بوده است که شامل ۳۶۰ مورد ترور هدف‌مند در سایر کشورها و حملات گسترده‌ای بوده که به ضرب و جرح صدها نفر منجر شده است» (گزارش تروریسم وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۲۰). برخی از مهم‌ترین موارد ادعایی آمریکا، طرح اتهام مشارکت جمهوری اسلامی ایران در انفجار پایگاه تفنگ‌داران نیروی دریایی آمریکا در بیروت (۲۳ اکتبر ۱۹۸۳)، انفجار مرکز یهودیان در آرژانتین (آمیبا) (۱۸ ژوئیه ۱۹۹۴) و انفجار در پایگاه نیروهای آمریکایی در شهر الحُبیر عربستان سعودی (۲۵ ژوئن ۱۹۹۶) می‌باشد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران همواره داشتن هرگونه نقشی در این حوادث را رد کرده است و تاکنون و بعد از چند دهه از این حوادث نیز، ایالات متحده نتوانسته مدرک یا مستندات قانونی که حاکی از نقش جمهوری اسلامی ایران در این حوادث باشد، ارائه دهد.

در ارتباط با اروپا، ایالات متحده با طرح چنین ادعاهایی به دنبال ایجاد نگرانی و القای وجود شکاف‌های اطلاعاتی امنیتی در سازوکارهای مقابله با تروریسم اروپا در عدم هماهنگی و همراهی با ایالات متحده آمریکاست (هرزنهارن، ۲۰۲۰). علاوه بر این، هدف دیگر ایالات متحده از انتساب حملات تروریستی ادعایی به ایران، تصرف در اموال و استفاده از منابع مالی بلوکه شده ایران تحت عنوان غرامت و جبران خسارت و ... برای خانواده و قربانیان این اقدامات تروریستی ادعایی می‌باشد. به عنوان مثال دادگاه‌هایی در ایالات متحده آمریکا در احکام جداگانه‌ای، خواهان پرداخت غرامت به بازماندگان قربانیان عملیات‌های تروریستی ادعایی از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ از جمله قربانیان الحبر، پایگاه تفنگداران آمریکایی در بیروت، حوادث ۱۱ سپتامبر و ... از محل منابع مالی ایران در کشورهای مثل لوکزامبورگ (شرکت نقل و انتقال ارز کلیبر استریم)، ترکیه (هالک بانک) و منابع بلوکه شده در بانک‌های آمریکا (سیتی بانک) شده است. جدی‌ترین این موارد مربوط به رأی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در آوریل ۲۰۱۶، مبنی بر پرداخت غرامت

به خانواده‌های قربانیان انفجار «مقر تفنگداران آمریکا در بیروت» (۲۳ اکتبر ۱۹۸۳) و سایر حملات مرتبط با ایران (در حدود ۱/۷۵ میلیارد دلار) از محل دو میلیارد دلار دارایی مسدود شده جمهوری اسلامی ایران در بانک‌های آمریکا (در این مورد سیتی‌بانک) است؛ موضوعی که نه تنها از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران محکوم شد (۲)، بلکه از طرف سایر کشورها و نهادهای بی‌طرف بین‌المللی نیز غیرقانونی خوانده شد. در همین راستا «جنبش عدم تعهد»^۱ در بیانیه‌ای از سازمان ملل متحد خواست تا مانع از آن شود که اموال مسدود شده ایران در آمریکا، برای حل و فصل دعاوی قربانیان «عملیات تروریستی» ادعایی منتسب به ایران به کار رود. بیانیه جنبش از ایالات متحده به خاطر نقض «مصونیت حاکمیتی دولت‌ها و نهادهای آن‌ها» انتقاد کرده و هشدار داده که چنین اقدامی می‌تواند به عواقب وخیمی «از جمله بی‌اعتمادی و هرج و مرج در حوزه روابط بین‌الملل» منجر شود و «رویه‌ای نادرست را پایه‌گذاری کند» (روزنامه شرق، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۵). با این حال و مبتنی بر چارچوب تئوریک پژوهش، هدف اصلی ایالات متحده از طرح این اتهامات، تهدیدسازی همه‌جانبه از جمهوری اسلامی ایران برای اقناع جامعه مخاطب امنیتی‌سازی به ویژه اتحادیه اروپا به منظور همراهی آن‌ها با رویکرد ایالات متحده در قبال ایران در طیفی از تهدید، تحریم و اعمال زور تا مذاکره است.

۲-۲- متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم

طرح اتهام حمایت ایران از گروه‌های تروریستی از اواسط دهه ۱۹۸۰ و با اضافه کردن جمهوری اسلامی ایران به کشورهای حامی تروریسم (۱۹ ژانویه ۱۹۸۴) توسط دولت وقت ایالات متحده آمریکا آغاز شد و در دولت‌های بعدی آمریکا نیز به انحای گوناگون و ذیل عناوین و اصطلاحاتی هم‌چون «یاغی بین‌المللی» (بیل کلینتون: ۲۰۰۰-۱۹۹۲)، «محور شرارت» (جورج بوش: ۲۰۰۸-۲۰۰۴)، «حامی تروریسم» (باراک اوباما: ۲۰۱۶-۲۰۰۸) و «دولت تروریستی» (دونالد ترامپ: ۲۰۲۰-۲۰۱۶) تکرار شده است. این موضوع نشان می‌دهد که ایالات متحده، تقریباً از یک الگوی ثابت در طرح اتهام و برجسب‌زنی که از ابزارهای اصلی امنیتی‌سازی و برساخت تهدید است، پیروی کرده است. این الگوی طرح اتهام مبتنی بر دو وجه است و به دو شیوه زیر پیگیری شده است:

1. Non-Aligned Movement (NAM)

در وجه یا شیوه نخست، ایالات متحده ایران را به حمایت از گروه‌هایی هم‌چون حزب‌الله، جهاد اسلامی، حماس، کتائب حزب‌الله، انصارالله (۴) و ... متهم می‌کند؛ گروه‌هایی که آمریکا آن‌ها را در فهرست تروریسم خود گنجانده است. درحالی که برخلاف فهرست آمریکا، برخی دیگر از کشورها و نهادهای بین‌المللی، این گروه‌ها یا دست‌کم بخش‌هایی از آن‌ها را نه تنها به‌عنوان گروه تروریستی به رسمیت نمی‌شناسند، بلکه از آن‌ها تحت عنوان گروه‌های آزادی‌بخش نیز یاد می‌کنند. در همین راستا ایالات متحده حمایت دیرینه ایران از گروه‌های مقاومت فلسطینی به‌ویژه جهاد اسلامی و حماس را در چارچوب حمایت از گروه‌های تروریستی برآورد می‌کند. گزارش سالانه تروریسم آمریکا در این زمینه می‌گوید که «حکومت ایران و گروه‌های نیابتی آن به طراحی و اجرای حملات تروریستی در مقیاس جهانی ادامه می‌دهند». این گزارش اضافه می‌کند که «در گذشته، حکومت ایران رقمی بالغ بر ۷۰۰ میلیون دلار در سال برای حمایت از گروه‌های تروریستی نظیر حزب‌الله لبنان و حماس هزینه می‌کرد؛ اما تحت تأثیر تحریم‌های شدید آمریکا در سال ۲۰۱۹، توانایی آن برای حمایت مالی از تروریست‌ها در حد چشم‌گیری کاهش یافت» (گزارش تروریسم وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۱۹).

علاوه بر این، ایالات متحده به‌عنوان بازیگر امنیتی‌ساز در ارتباط با انتساب اقدامات حزب‌الله، حماس، انصارالله، جهاد اسلامی و سایر گروه‌ها به ایران، درصدد القای این موضوع به جامعه مخاطب امنیتی‌سازی است که جمهوری اسلامی ایران از طریق این گروه‌های نیابتی، سعی در ایجاد پوششی برای اقدامات خود، بدون پذیرش هزینه و مسئولیت بین‌المللی است. در همین راستا گزارش سالیانه تروریسم وزارت خارجه آمریکا بیان می‌کند: «ایران از گروه‌های نیابتی استفاده می‌کند تا برای خود فرصت انکار ایجاد کرده و برای سیاست‌های تجاوزگرانه خود، پوششی جهت عدم پاسخ‌گویی فراهم کند» (گزارش تروریسم وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۲۱). در این میان، حمایت و پشتیبانی ایران از حزب‌الله لبنان در کانون استراتژی ایالات متحده در طرح اتهام حمایت از گروه‌های تروریستی قرار گرفته است؛ موضوعی که به‌ویژه بعد از سال ۲۰۰۶ و تقویت جایگاه حزب‌الله در مناسبات لبنان و منطقه، اهمیت مضاعفی یافته است. به تعبیر دانیل بایمن^۳،

1. Country Reports on Terrorism
2. Country Reports on Terrorism
3. Daniel Byman

«دلیل اصلی اینکه ایران در صدر فهرست تروریستی آمریکا قرار گرفته است، حمایت از حزب الله لبنان است» (بایمن، ۲۰۰۸: ۱۷۲).

با پویایی‌های ناشی از تحولات منطقه به‌ویژه پس از اشغال عراق، سپس تحولات مربوط به بهار عربی و بیداری اسلامی و ظهور جنبش‌ها و گروه‌های مخالف وضع موجود در سطح منطقه به‌ویژه در عراق، لبنان، بحرین، عربستان، یمن و ... ایالات متحده اغلب گروه‌های هم‌سو با ایران را ذیل فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است؛ لذا هرگونه حمایت ایران از این جریان‌ها را به‌مثابه حمایت از تروریسم بازنمایی می‌کند. فهرست تروریستی ایالات متحده در این مورد به‌قدری فربه و طولانی شده است که تقریباً هر گروه هم‌سو با جمهوری اسلامی ایران و مخالف حضور ایالات متحده در منطقه را می‌توان ذیل آن مشاهده کرد. در همین راستا بیناد هریتج در گزارش سالیانه خود با عنوان «ارزیابی تهدیدات فراروی منافع حیاتی ایالات متحده»، ضمن طرح اتهامات گسترده تروریستی منتسب به حزب الله لبنان، ایران را به‌عنوان رهبر و هدایت‌کننده اصلی این اعمال تروریستی ادعایی معرفی می‌کند (فیلیپس^۱، ۲۰۲۱: ۲۸۰-۲۷۹). به اعتقاد اغلب کارشناسان، چنین کاربرد وسیع، سلیقه‌ای و بی‌ضابطه‌ای از موضوع تروریسم که در دوران ترامپ تشدید شده است، اثربخشی اقدامات در این زمینه را با چالش مواجه کرده است.

وجه دیگر رویکرد آمریکا در تهدیدسازی از ایران بر مبنای تروریسم، طرح اتهام حمایت ایران از گروه‌های تروریستی شناخته‌شده بین‌المللی است که نه‌فقط در فهرست تروریسم آمریکا هستند، بلکه در اسناد سازمان ملل متحد و معاهدات بین‌المللی نیز به‌عنوان گروه تروریستی به رسمیت شناخته شده‌اند. در واقع این وجه از رویکرد ایالات متحده در تکمیل وجه نخست و در نتیجه عدم دریافت دستاوردها و نتایج لازم (عدم دستیابی به اجماع بین‌المللی) مطرح شد و هدف آن، جلب توجه و همکاری بین‌المللی به‌منظور ایجاد اجماع در سیاست تهدیدسازی علیه ایران بود. در این راستا طرح اتهام همکاری جمهوری اسلامی ایران با القاعده به‌عنوان یک گروه تروریستی شناخته‌شده بین‌المللی، از مهم‌ترین این اتهامات بود. ارتباط میان ایران و القاعده، اگرچه یکی از موضوعاتی بود که از همان روزهای ابتدایی پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، از سوی برخی جناح‌های سیاسی آمریکا مطرح می‌شد؛ اما طرح چنین ادعایی به‌صورت جدی با هدف ایجاد

1. Phillips

اجماع بین‌المللی علیه ایران، از نخستین اقداماتی بود که مایک پمپئو در دوران آغاز به کارش به‌عنوان رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا^۱ انجام داد. در این چارچوب مایک پمپئو مبتنی بر مجموعه اسنادی که از محل اقامت/سامه بن‌لادن (رهبر القاعده) در ایبیت آباد پاکستان کشف شده بود، به کمک اندیشکده‌هایی مانند «بنیاد دفاع دموکراسی‌ها»^۲ سعی در مستندسازی رابطه میان ایران و القاعده با استفاده از این اسناد داشت (۵). چنین ادعایی در طول دوره ریاست جمهوری ترامپ به‌صورت مداوم و در اشکال مختلفی پیگیری شد و به‌ویژه با انتقال مایک پمپئو به وزارت خارجه، سویه تهاجمی تری نیز به خود گرفت. در همین چارچوب ایالات متحده در گزارش‌های سالیانه تروریسم که در وزارت خارجه این کشور تهیه می‌شود، جمهوری اسلامی ایران را متهم به حمایت از تروریسم می‌کند: «ایران هنوز هم به گروه‌های وابسته به القاعده اجازه می‌دهد در آن کشور فعالیت کنند و پول و پیکارجو به مناطق جنگی مثل افغانستان و سوریه بفرستند» (گزارش تروریسم وزارت خارجه آمریکا^۳، ۲۰۲۰).

علاوه بر این، این اتهام‌ها با هدف اقناع جامعه مخاطب تهدیدسازی از طریق جریان‌ات رسانه‌ای همراهی و پشتیبانی می‌شد. به‌عنوان مثال نیویورک تایمز در گزارشی در اکتبر ۲۰۲۰ به نقل از منابع امنیتی اسرائیلی مدعی شده است که عبدالله/احمد عبدالله، نفر دوم القاعده و عامل بمب‌گذاری در مقابل سفارت‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا (۱۹۹۸) با نام مستعار ابو محمد المصری، توسط مأموران امنیتی اسرائیل در تهران ترور شده است (گلدمن و دیگران^۴، ۲۰۲۰: پاراگراف ۲). موضوعی که توسط ایران رد شد و تاکنون نیز توسط منابع مستقل تأیید نشده است (۶). مبتنی بر چنین سناریوسازی‌هایی، مایک پمپئو در واپسین هفته حضور در وزارت خارجه آمریکا بار دیگر ادعاهای مطرح‌شده در اسناد ادعایی ارتباط ایران با القاعده را تکرار کرد و مدعی شد که «ایران به خانه جدید القاعده بدل شده است» و جهان باید «در مقابل همکاری شیعه و سنی برای تروریسم» ایستادگی کند. او با استناد به گزارش‌های رسانه‌ها در مورد ترور ابو محمد المصری در ایران، مدعی شد که حضور این فرد در ایران، نشانه دوستی و نزدیکی ایران و القاعده است و در ادامه

1. Central Intelligence Agency (CIA)
2. Foundation for Defense of Democracies (FDD)
3. Country Reports on Terrorism
4. Goldman et al

اتهام‌زنی‌های خود، مدعی شد که توافق برجام، باعث شد که ایران حمایتش را از القاعده افزایش دهد و گفت: «برخلاف افغانستان که القاعده در کوهستان‌ها پنهان می‌شدند، اکنون در ایران تحت حفاظت دولت ایران فعالیت می‌کنند» (پمپئو^۱، ۲۰۲۱: پاراگراف ۱).

اتهام حمایت جمهوری اسلامی ایران از طالبان از دیگر اتهامات ایالات متحده در موضوع حمایت ایران از گروه‌های تروریستی است. در همین راستا، واشنگتن پست در گزارشی که در آوریل ۲۰۱۷ به نقل از مقامات آمریکایی منتشر کرد، مدعی شد که ایران و روسیه، گسترش روابط با طالبان را با هدف به چالش کشیدن قدرت آمریکا در افغانستان پیگیری می‌کنند. هم‌چنین جان نیکلسون فرمانده ارشد نیروهای آمریکایی در افغانستان نیز در فوریه ۲۰۱۷ در سنای آمریکا مدعی شد که ایران «به‌طور مستقیم در حال حمایت از طالبان» به‌ویژه در بخش غربی افغانستان است که مرز طولانی با ایران دارد. در تداوم چنین سناریوسازی‌هایی وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۸، دو عضو نیروی قدس سپاه پاسداران ایران را با این بهانه که امکانات مالی و تکنولوژیک در اختیار نیروهای طالبان قرار می‌دادند، در فهرست تحریم‌های تروریستی خود قرار داد. طرح چنین اتهاماتی به ایران در حمایت از طالبان در حالی است که ایالات متحده طی سالیان اخیر، در حال گفت‌وگو با سران طالبان و در بالاترین سطوح با میانجی‌گری کشور قطر بوده است. این درحالی است که ایران تاکنون طالبان را از فهرست گروه‌های تروریستی خود خارج نکرده است (طلوع‌نیوز، به نقل از ظریف، ۱۳۹۹).

طرح اتهام حمایت ایران از گروه‌های تروریست هم‌چون القاعده و طالبان و مشارکت ایران در حملات ۱۱ سپتامبر درحالی صورت می‌گیرد که نه تنها تاکنون هیچ‌گونه مدرک و شواهدی دال بر حمایت و مشارکت ایران به‌دست نیامده است؛ بلکه برخلاف ادعای ایالات متحده، از ۱۹ نفر عامل انتحاری حملات ۱۱ سپتامبر، ۱۵ نفر تبعه عربستان سعودی، ۲ نفر تبعه امارات متحده عربی، یک نفر تبعه مصر و یک نفر دیگر نیز از کشور لبنان بوده است که همگی در زمره متحدان و شرکای منطقه‌ای آمریکا به‌شمار می‌روند. نکته مهم‌تر اینکه دولت آمریکا تاکنون از انتشار اسناد و گزارش‌های مرتبط با حملات ۱۱ سپتامبر که توسط کمیته‌های حقیقت‌یاب خود دولت آمریکا تهیه شده، جلوگیری کرده است. به‌عنوان مثال ایالات متحده تا پیش از سال ۲۰۱۵، از انتشار بخشی

1. Pompeo

از گزارش علل و حواشی حملات ۱۱ سپتامبر معروف به گزارش ۲۸ صفحه‌ای که به نقش سعودی‌ها در این ماجرا می‌پردازد، جلوگیری کرده بود؛ در حالی که این گزارش در سال ۲۰۰۲ و در دوران جرج دبلیو بوش تهیه و تنظیم شده بود. حتی انتشار این گزارش ۲۸ صفحه‌ای نیز به صورت ناقص و مبهم انجام شد؛ به نحوی که در آن بسیاری از اطلاعات و اسامی مرتبط با این حملات لاک گرفته شده بود (دپتریس^۱، ۲۰۱۶). به طور کلی می‌توان گفت هدف اصلی ایالات متحده از این اقدام، بازیابی اجماع بین‌المللی ذیل برنامه ناموفق و مسأله‌ساز «مبارزه با تروریسم جهانی» بود که در زمان بوش و پس از حملات ۱۱ سپتامبر رخ داد. ایالات متحده آمریکا در حالی ایران را متهم به اقدامات تروریستی یا حمایت از گروه‌های تروریستی می‌کند که به گواه اسناد و مدارک، خود از عوامل بنیان‌گذار و حامی برخی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی بین‌المللی هم چون القاعده و طالبان بوده است و امروزه نیز از ظرفیت و امکانات این گروه‌ها برای اقدام علیه ایران استفاده می‌کند (تخشید و جلائیان مهری، ۱۳۹۶: ۴۶-۴۵).

۳- راه‌کارهای مقابله‌ای بازیگر امنیتی‌ساز به‌منظور رهایی از تهدید

مبتنی بر چارچوب تئوریک پژوهش، اعتقاد به تجلی تهدید و پذیرش عمومی، دورکن اصلی «منطق امنیتی‌کردن» را شکل می‌دهند. ویور بر این مسأله تأکید می‌کند که استدلال بازیگر امنیتی‌کننده علاوه بر نشان‌دادن تجلی تهدید، باید ارائه‌دهنده راه‌چاره و خلاصی از این تهدید نیز باشد؛ چراکه از منظر مکتب کپنهاگ، امنیتی‌سازی کنشی است که در آن بازیگر امنیتی‌ساز با جلوه‌دادن یک موضوع به‌عنوان تهدید وجودی، اقدامات فوری و استثنایی برای مقابله با آنرا توجیه می‌کند (ویور^۲، ۱۹۹۳: ۴۸). در این راستا، ایالات متحده به‌عنوان بازیگر امنیتی‌ساز، در سطح دوم، راه‌کارهای مقابله‌ای زیر را به‌عنوان راه‌چاره خلاصی از تهدید دنبال کرده است.

۳-۱- گنجاندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در فهرست گروه‌های تروریستی

تلاش برای قراردادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در فهرست گروه‌های تروریستی، اگرچه از زمان جرج بوش و با استناد به قطع‌نامه ۱۷۴۷ شورای امنیت (مارس ۲۰۰۷) آغاز شد و در دوره اوباما نیز با استناد به قطع‌نامه ۱۹۲۹ (ژوئن ۲۰۱۰) تداوم یافت؛ با این حال هیچ‌گاه از اعمال

1. DePetris
2. Waeber

تحریم علیه شرکت‌ها و افراد مرتبط با سپاه فراتر نرفت. اما دولت ترامپ در چارچوب استراتژی فشار حداکثری و ذیل رویکرد تهدیدسازی از ایران در موضوع تروریسم، طی بیانیه‌ای در تاریخ ۸ آوریل ۲۰۱۹، مجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را براساس بند ۲-۱۹ «قانون مهاجرت و ملیت» در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد و از آن به‌عنوان «یک سازمان تروریستی خارجی» نام برد (گزارش تروریسم وزارت خارجه آمریکا^۱، ۲۰۱۹). موضوعی که برخلاف انتظار ایالات متحده آمریکا با واکنش انتقادی یا دست کم انفعالی جامعه بین‌المللی مواجه شد (۷). در این راستا گزارش سالیانه تروریسم وزارت خارجه ایالات متحده، ایران را «بزرگترین دولت حامی تروریسم در جهان» نامید. در این گزارش آمده است: «ایران به مداخله نیروی قدس در مناقشه‌های عراق و سوریه اذعان کرده و نیروی قدس مکانیسم اصلی پرورش و حمایت از تروریست‌ها در خارج [از ایران] است». این گزارش تصریح می‌کند که آمریکا با چنین اقدامی برای اولین بار بخشی از یک دولت خارجی را در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی قرار داده است (گزارش تروریسم وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۱۹).

به‌طور کلی ایالات متحده با این اقدام، اهداف چندگانه اقتصادی، سیاسی و نظامی را دنبال می‌کند. در حوزه اقتصادی، قطع شریان‌های مالی ایران و تحت فشار قراردادن از طریق افزایش هزینه‌ها از دلایل اصلی این اقدام برشمرده شده است. در این بیانیه ضمن متهم کردن ایران به «حمایت از تروریسم»، تصریح شده است که «ما به افزایش فشار علیه ایران و بالابردن هزینه‌های حمایت از فعالیت‌های تروریستی توسط این کشور ادامه خواهیم داد تا زمانی که این کشور از رفتارهای مخرب و غیرقانونی خود در منطقه دست بردارد» (وزارت خارجه آمریکا^۲، ۲۰۱۹: پاراگراف ۲). علاوه بر این و با توجه به توان صنعتی، فنی و تکنولوژیک و در امتداد آن اقدامات اقتصادی سپاه از طریق قرارگاه‌های سازندگی؛ به‌ویژه با خروج شرکت‌های بزرگ نفتی از پروژه‌های صنعت نفت ایران به موازات خروج آمریکا از برجام، ایالات متحده امیدوار است با تروریستی اعلام کردن سپاه و مجموعه‌های ذیل آن، بتواند علاوه بر اخلال در روند اقتصادی

1. Country Reports on Terrorism
2. US Department of State

فعالیت‌های آن، زمینه را برای افزایش فشارها و کاهش توان مقاومت ایران در برابر تحریم‌ها فراهم کند و در نتیجه زمینه نارضایتی داخلی از مجموعه سپاه را ایجاد کند.

از طرف دیگر، ایالات متحده آمریکا، همواره جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان مهم‌ترین مانع در عملیاتی کردن دکترین استراتژیک خود در حفظ و تداوم وضعیت موجود منطقه خاورمیانه ذیل صلح آمریکایی (پکس آمریکانا)^۱ برآورد می‌کند. از منظر آمریکا، مهم‌ترین مسأله پکس آمریکانا در خاورمیانه، شکاف و تنش عربی - عبری (اسرائیلی) است و مهم‌ترین مانع در حل این مسأله، جمهوری اسلامی ایران است که از طریق سپاه پاسداران به‌عنوان بازوی عملیاتی خود به این شکاف دامن زده است. به اعتقاد ترامپ، نفوذپذیری ساختار خاورمیانه به‌ویژه پس از حمله آمریکا به افغانستان و عراق و سپس موج بهار عربی، به سپاه پاسداران اجازه داد استراتژی نفوذ زیرزمینی خود را برای کار با شبه‌نظامیان با استفاده از ابزارهای نامتقارن (نه ابزارهای نظامی متداول) و بدون چالش نظامی متعارف تعقیب کند (هریسون^۲، ۲۰۲۰: ۱۴). در این راستا و از منظر ترامپ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های هم‌سو در منطقه، مهم‌ترین مانع در تحقق اقدامات وی در حوزه صلح عربی - عبری (هم‌چون پیمان ابراهیم) به‌شمار می‌رود؛ لذا ایالات متحده با این اقدام (تروریستی اعلام کردن سپاه) به‌دنبال این است که ضمن محدود کردن فعالیت‌های منطقه‌ای سپاه، در صورت لزوم و با استناد به تروریستی بودن سپاه، زمینه را برای مشروعیت بخشی به اقدام نظامی علیه آن فراهم کند. اتحادیه اروپا اگرچه پیش از این و در دوره اوباما، بیشترین هماهنگی‌های فراآتلانتیک را با آمریکا در تصویب قطع‌نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت (سال ۲۰۱۰) و تحریم برخی از شرکت‌ها، افراد و مجموعه‌های مرتبط با سپاه از خود نشان داد؛ اما در این دوره و برخلاف انتظار ترامپ در همراهی و مشارکت با این تصمیم آمریکا، با اتخاذ رویکرد سکوت منفعلانه، به یک‌جانبه‌گرایی آمریکا واکنش انتقادی نشان داد (پورونیوز، ۲۰۱۹).

۲-۳- گنجاندن گروه‌های هم‌سو با ایران در فهرست تروریسم

به موازات فشار حداکثری بر ایران، ایالات متحده آمریکا فشار را بر متحدان منطقه‌ای ایران، تروریستی اعلام کردن برخی گروه‌های هم‌سو با ایران و استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی برای

1. Pax Americana
2. Harrison

فشار بر آن‌ها در دستورکار قرار داد. در این چارچوب، ایالات متحده ادعا می‌کند: «این ترورها و حملات عمدتاً نه تنها از طریق نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات، بلکه از طریق اشخاص ثالث و مأموران و گروه‌های نیابتی همانند حزب‌الله انجام گرفته است» (وزارت خارجه آمریکا به نقل از پمپئو^۱، ۲۰۱۹).

نیتن سیلز^۲ هماهنگ‌کننده امور ضد تروریسم وزارت خارجه آمریکا نیز در همین ارتباط بیان می‌کند: «ایران کماکان بزرگترین حامی تروریسم در جهان است و با حمایت از حزب‌الله در لبنان و کتائب حزب‌الله در عراق، به فعالیت‌های تروریستی ادامه می‌دهد. اکنون شمار بیشتری از کشورهای جهان به ما پیوسته و حزب‌الله را تحریم کرده‌اند» (سیلز، ۲۰۲۰: ۳). هم‌چنین در گزارش سالانه تروریسم وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا آمده است: «ایران که از سال ۱۹۸۴ به‌عنوان یک حامی حکومتی تروریسم تعیین شده است، در سال ۲۰۱۹ نیز به فعالیت‌های تروریستی خود از جمله حمایت از حزب‌الله، گروه‌های تروریستی فلسطینی در غزه، و طیفی از گروه‌های تروریستی مختلف در سوریه، عراق و سرتاسر خاورمیانه - ادامه داد. ایران با استفاده از نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند» (گزارش تروریسم وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۱۹).

از منظر ایالات متحده آمریکا، گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به ایران در منطقه هم‌چون حشدالشعبی، انصارالله، حزب‌الله، حماس، جهاد اسلامی و غیره به‌واسطه تسهیلاتی که برجام برای ایران فراهم کرده بود، در عراق، یمن، سوریه و مناطق هم‌جوار اسرائیل تجهیز و تقویت شده‌اند. موضوعی که ضمن تقویت قدرت بازدارندگی و عمق استراتژیک ایران، منجر به افزایش تهدیدات امنیتی علیه ایالات متحده آمریکا و متحدانش در منطقه شده است. اغلب این گروه‌ها اگرچه پیش از این نیز در فهرست تروریستی آمریکا قرار داشتند؛ اما در دوره ترامپ، فشار بر مخاطبان پروژه امنیتی‌سازی و به‌ویژه متحدین منطقه‌ای و اروپایی آمریکا برای همراهی با این اقدام در دستورکار قرار گرفت. در همین چارچوب ریچارد گرِنل^۳ سفیر وقت آمریکا در آلمان، تروریستی اعلام کردن حزب‌الله توسط آلمان (۲۰ آوریل ۲۰۲۰) را «یک موفقیت بزرگ دیپلماتیک» دانسته و

1. Quoted from Pompeo in US Department of state

2. Nathan A. Sales

3. Richard Grenell

در این ارتباط بیان می‌کند که او دو سال تمام با مقام‌های دولت و پارلمان آلمان دیدار و گفت‌وگو داشته تا آلمان را وادار به پذیرش این سیاست کند. پیش از این نیز بریتانیا در ۲۵ فوریه ۲۰۱۹، حزب‌الله را گروه تروریستی اعلام کرده بود. این درحالی است که اتحادیه اروپا و فرانسه، فقط شاخه نظامی حزب‌الله را در فهرست گروه تروریستی قرار داده‌اند (رابینسون^۱، ۲۰۲۰: ۸).

از طرف دیگر آمریکا تلاش می‌کند تا از ظرفیت نهادی و حقوقی بین‌المللی و به‌ویژه شورای امنیت برای تحت فشار قرار دادن متحدان منطقه‌ای ایران استفاده کند. برای مثال بریتانیا با حمایت ایالات متحده و با هدف تحت فشار قرار دادن انصارالله و کمیته‌های مردمی یمن، پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای (۲۲ فوریه ۲۰۱۸) را در شورای امنیت تنظیم کرد که در آن، علاوه بر تمدید تحریم تسلیحاتی یمن بر مبنای قطع‌نامه ۲۲۱۶ (۶)، سعی در محکومیت جمهوری اسلامی ایران به بهانه نقض قطع‌نامه ۲۲۱۶ و ناکامی در انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم موشک‌های بالستیک، هواپیماهای بدون سرنشین و تجهیزات نظامی دیگر به حوثی‌ها در یمن داشت؛ موضوعی که با مخالفت روسیه به‌عنوان عضو دائم شورا مواجه شد. در ادامه ایالات متحده تلاش کرد تا سلاح‌های مورد استفاده در حملات موشکی یمن به عربستان سعودی و شرکت نفتی آرامکو را به ایران نسبت دهد؛ موضوعی که نهایتاً بر گزارش دوره‌ای دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد پای‌بندی به قطع‌نامه ۲۲۳۱ اثر گذاشت و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان منشأ این سلاح‌ها معرفی کرد (نیکولس^۲، ۲۰۲۰: ۳).

ایالات متحده در حالی حزب‌الله لبنان را در فهرست تروریسم خود گنجانده و فشار بر دیگر متحدان را برای همراهی با چنین رویکردی در دستور کار قرار داده است که حزب‌الله لبنان، هم‌اکنون در ائتلاف با دیگر احزاب هم‌سو، اکثریت پارلمان لبنان و دولت این کشور را در اختیار دارد. به‌صورت مشابهی انصارالله عملاً و به‌صورت دفاکتو، دولت یمن، نهادهای دولتی و پایتخت این کشور (صنعا) را در اختیار دارد.

1. Robinson
2. Nichols

۳-۳- استفاده از ظرفیت گروه‌های تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران

پشتیبانی از گروه‌های تروریستی به منظور دستیابی به اهداف که سابقه دیرینه‌ای در سیاست خارجی آمریکا دارد، راه کار مقابله‌ای دیگر آمریکا در موضوع تروریسم است. در واقع این رویکرد ایالات متحده مبتنی بر این فرض بنیادین رئالیستی است که «دشمن دشمن من، دوست من است». سابقه تاریخی معاصر اعمال این سیاست به حمایت تسلیحاتی و مالی آمریکا از مجاهدان افغان در دوره پس از حمله شوروی به این کشور مربوط می‌شود. نتیجه چنین رویکردی، قدرت‌یابی طالبان در افغانستان و شکل‌گیری القاعده بود (شنگا^۱، ۲۰۱۴) که ایالات متحده آمریکا، به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی (به‌عنوان دشمن شماره یک) سعی در استفاده از آن‌ها به منظور مقابله یا دست‌کم مهار ایران پس از انقلاب اسلامی داشت. مبتنی بر چنین برداشتی، ایالات متحده استفاده از ظرفیت‌های گروه‌های تندرو و تروریستی هم‌چون القاعده و طالبان را که برآمده از خوانش رادیکال از اسلام و ایدئولوژی سلفی است، در مقابل الگوی اسلام سیاسی شیعی برآمده از انقلاب اسلامی مجاز می‌دانست. به‌عنوان مثال طالبان پس از قدرت‌یابی در افغانستان، اعضای کنسولگری ایران در شهر مزارشریف را به شهادت رساندند؛ موضوعی که تا سرحد درگیری نظامی تمام‌عیار پیش رفت.

مورد دیگر حمایت مالی و تسلیحاتی ایالات متحده از گروه‌های تروریستی در جنگ داخلی سوریه با هدف تقویت مخالفان دولت سوریه به منظور سرنگونی بشار اسد بود (داردن^۲، ۲۰۱۵: ۸)؛ مسأله‌ای که در نهایت موجب ظهور و قدرت‌گیری گروه‌های تروریستی هم‌چون داعش و جبهه النصره در سپهر سیاست خاورمیانه شد. مشابه نقش ایالات متحده در ظهور القاعده و طالبان، آمریکا نه تنها خود مستقیماً به آموزش و تجهیز گروه‌ها شورشی و تروریستی در جنگ داخلی سوریه کمک کرده (ویتس^۳، ۲۰۱۵: ۵)، بلکه کمک‌ها و حمایت‌های متحدان خود هم‌چون عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر را از این گروه‌ها را نادیده گرفت؛ به‌نحوی که حمایت این کشورها از گروه تروریستی جبهه النصره حتی بعد از اعلام آمریکا مبنی بر تروریستی‌بودن این گروه تداوم یافت و از این طریق نیز به‌طور غیرمستقیم در تقویت این گروه‌ها

1. Chenga
2. Durden
3. Witts

تأثیر داشته است. تا جایی که این رفتار دوگانه آمریکا به این شائبه دامن زده که دولت ایالات متحده، کمک به گروه‌های تروریستی را با واسطه متحدین خود و با هدف حفظ وجهه بین‌المللی آمریکا به صورت غیرمستقیم ادامه داده است. به‌عنوان مثال براساس گزارش مؤسسه آمریکایی بروکینگز، موشک‌های هدایت شونده ضدتانک توسط عربستان سعودی در اختیار تروریست‌های داعش با هدف مقابله با تانک‌های روسی ارتش سوریه قرار گرفته بود که مهم‌ترین تکیه گاه ارتش این کشور در نبرد زمینی بود. این در حالی بود که این موشک‌ها (به مقدار ۱۵ هزار فروند)، پیش از این (سال ۱۳۹۳) توسط ایالات متحده به عربستان سعودی فروخته شده بود (بولوس^۱، ۲۰۱۴: ۱۷).

در زمینه اهمیت این مسأله در رویکرد آمریکا در موضوع تروریسم باید گفت در دوران رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا، برای جلوگیری از ایجاد هرگونه خلل در روند تجهیز و حمایت از این گروه‌ها، باراک اوباما با استفاده از اختیارات ویژه خود قانون فدرال مبنی بر ممنوعیت واگذاری اسلحه به گروه‌های تروریستی و حامیان آن‌ها را، به بهانه اهمیت ارسال اسلحه برای این گروه‌ها در راه تأمین منافع ملی آمریکا نادیده گرفت؛ موضوعی که موجب افزایش و تقویت توان گروه‌های تروریستی و توسعه حوزه فعالیت آن‌ها در منطقه شد (رایت^۲، ۲۰۱۳: ۲۴). به‌طور کلی توجیه اصلی ایالات متحده در حمایت و پشتیبانی علنی و غیرعلنی از این گروه‌های تروریستی، استفاده از ظرفیت این گروه‌ها در مقابله و تحدید موقعیت و جایگاه منطقه‌ای و فشار بر جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین مبتنی بر این مفروض رئالیستی که «دشمن دشمن من، دوست من است»، مهم‌ترین انگیزه ایالات متحده، دشمنی و مقابله با جمهوری اسلامی ایران است.

مورد دیگر استفاده ایالات متحده از ظرفیت‌های گروه‌های تروریستی، حمایت از گروه‌های تروریستی شناخته‌شده ایرانی هم‌چون منافقین (سازمان مجاهدین خلق)، پژاک و تجهیز گروه‌های نظیر جندالشیطان (جندالله) و جیش‌الظلم (جیش‌العدل) است. اقدامات تروریستی این گروه‌ها و کشتار و قتل عام مردم در حوادث تروریستی عدیده‌ای توسط این گروه‌ها رقم خورده است. سابقه اقدامات تروریستی منافقین به سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد که معروف‌ترین

1. Bulos
2. Wright

آن‌ها انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران (۷ تیر ۱۳۶۰) و انفجار دفتر نخست‌وزیری (۸ شهریور ۱۳۶۰) بود. حادثه تاسوکی (۲۵ اسفند ۱۳۸۴)، حمله انتحاری به مسجد علی‌بن‌ابی‌طالب (علیه‌السلام) شهر زاهدان (۷ خرداد ۱۳۸۸)، حمله انتحاری به نمایشگاه صنایع دستی در شهر سرباز (۲۶ مهر ۱۳۸۸) و بمب‌گذاری در مراسم تاسوعا در چابهار (۲۴ آذر ۱۳۸۹) که منجر به شهادت صدها شهروند ایرانی شد، برخی از مهم‌ترین اقدامات تروریستی گروهک جندالشیطان بود. گروه تروریستی جیش‌الظلم که به‌نوعی تداوم ایدئولوژیک و عملیاتی جندالشیطان بود و از جمله حامیان اعلامی معارضین در جنگ داخلی سوریه بود نیز، دست به اقدامات تروریستی عدیده‌ای هم‌چون به شهادت رساندن تعدادی از اعضای سپاه پاسداران (۱۸ مهر ۱۳۹۱)، گروگان‌گیری و به شهادت رساندن مرزبانان نیروی انتظامی (۱۷ فروردین ۱۳۹۴، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۲۴ مهر ۱۳۹۷) و غیره زده است.

با وجود اقدامات آشکار تروریستی توسط این گروه‌ها و هم‌چنین شناسایی بین‌المللی آن‌ها به‌عنوان گروه‌های تروریستی و هم‌چنین حضور در فهرست تروریسم ایالات متحده، این کشور حسب مورد و با هدف استفاده ابزاری از این گروه‌ها، حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیمی از آن‌ها به‌عمل آورده است. به‌عنوان مثال با وجود قرار گرفتن منافقین در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا، این کشور همکاری و حمایت مداومی از این گروه داشته است تا جایی که نهایتاً این گروه را در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲ (۷ مهر ۱۳۹۱) از فهرست گروه‌های تروریستی خود خارج کرد. در موضوع گروه تروریستی جندالشیطان نیز حمایت‌های ایالات متحده از «عبدالمالک ریگی»، رهبر معدوم این گروه از طریق پایگاه‌های نظامی این کشور در افغانستان نیز مؤید این ادعاست.

سیاست آمریکا در حمایت از اقدامات تروریستی علیه ایران با تأمین بودجه برای چنین اقداماتی نیز همراه بوده است؛ به نحوی که ایالات متحده سالیانه بودجه مشخصی را که مورد حمایت هر دو حزب کنگره قرار می‌گیرد، برای این منظور در نظر گرفته است. این حمایت مالی متعاقب شامل حمایت سیاسی از جریان تروریسم ضدایرانی از مجاهدین خلق تا گروهک‌های جندالله و پژاک می‌شود و می‌توان ادعا کرد همه تحرکات تروریستی در مرزهای ایران با حمایت

اطلاعاتی یا مالی آمریکا اجرا می‌شوند. این مبلغ برای سال ۲۰۲۱، یک میلیارد و دویست میلیون دلار است (جلسه توجیهی بودجه کنگره^۱، ۲۰۲۱: ۷۳).

نتیجه‌گیری

مبتنی بر چارچوب تئوریک پژوهش، بازیگر امنیتی ساز به منظور برساخت ادراک تهدید با هدف اقناع و همراهی مخاطبان امنیتی سازی، باید بتواند استدلال ارائه کند. این موضوع حاکی از این است که اساساً تهدیدها با اتکا به اذهان شکل می‌گیرند و لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیستند؛ بلکه ایجاد باور مشترک مبنی بر تهدید آمیز بودن پدیده‌ای، مقابله با آن و تأمین امنیت را توجیه‌پذیر می‌کند. استدلال ایالات متحده به‌عنوان بازیگر امنیتی ساز در تهدیدسازی از جمهوری اسلامی ایران در موضوع تروریسم مبتنی بر طرح اتهامات تروریستی ایران در کشورهای ثالث؛ به‌ویژه اروپا به‌عنوان مهم‌ترین مخاطب امنیتی سازی از طرفی و معرفی ایران به‌عنوان اصلی‌ترین حامی گروه‌های تروریستی (مورد شناسایی بین‌المللی و فهرست تروریسم آمریکا) از طرف دیگر است. طرح اتهامات تکراری (هم‌چون مشارکت ایران در انفجار بیروت، آمیا، الخبر و...) که آخرین مورد آن، متهم کردن ایران به اقدام برای بمب‌گذاری در گردهمایی منافقین در پاریس بود و هم‌چنین متهم کردن ایران به حمایت از القاعده و پناه‌دادن به اعضای این سازمان، در این سطح قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایالات متحده آمریکا در این سطح توانسته است تا حدودی مخاطبان امنیتی سازی به‌ویژه شرکای اروپایی و منطقه‌ای را با ادراک امنیتی خود همراه کند.

از طرف دیگر و مبتنی بر نظریه امنیتی سازی و برساخت تهدید، بازیگر امنیتی ساز علاوه بر ارائه استدلال در نشان‌دادن تجلی تهدید، باید ارائه‌دهنده سازوکار و راه‌حل خلاصی از تهدید نیز باشد. در این سطح، ایالات متحده آمریکا به‌عنوان بازیگر امنیتی ساز با اتخاذ یک رویکرد تهاجمی با استفاده از سازوکارهایی هم‌چون گنجانیدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های منطقه‌ای هم‌سو (هم‌چون حزب الله، حماس و انصارالله) که بخش‌های رسمی از دولت متبوع کشور خود هستند، در فهرست سازمان‌های تروریستی روی آورده است. علاوه بر این، ایالات متحده با هدف

استفاده از ظرفیت گروه‌های تروریستی (مورد شناسایی بین‌المللی هم‌چون القاعده، داعش، منافقین، جندالله، جیش العدل و ...) به‌منظور مقابله با و فشار بر جمهوری اسلامی ایران، به حمایت و پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم از این گروه‌ها اقدام کرده است. یافته‌های پژوهش در این بخش نشان می‌دهد که برخلاف سطح اول (طرح اتهامات تروریستی)، ایالات متحده آمریکا نتوانسته است همراهی و موافقت مخاطبان امنیتی‌سازی به‌ویژه متحدان اروپایی را در این سطح (اقدامات مقابله‌ای) به‌دست آورد. این موضوع، از یک سو ناشی از درک متفاوت دو سوی آتلانتیک در نحوه و روش مقابله و مواجهه با ایران در موضوع تروریسم است و از سوی دیگر، حاکی از نگرش انتقادی اروپا نسبت به رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در موضوعات و دستورکارهای بین‌المللی به‌طور عام و موضوع ایران به‌طور خاص در دوره دونالد ترامپ است. از طرف دیگر علی‌رغم رویکردهای جدی اروپا در موضوع مقابله با تروریسم، نگاه ابزاری ایالات متحده، به‌ویژه در دوره ترامپ به این موضوع، موجب عدم همراهی اروپا با سازوکارهای مقابله‌ای آمریکا شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به‌طور کلی رویکرد و نگرش ایالات متحده در ارتباط با متغیر تروریسم در نسبت با ایران از اصول کلی پیروی می‌کند که نمود آن در متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به تروریسم با ادبیات مختلفی هم‌چون یاغی بین‌المللی (بیل کلینتون)، محور شرارت (جورج بوش)، حامی تروریسم (باراک اوباما) و دولت تروریستی (دونالد ترامپ) تبلور یافته است. با این وجود تفاوت‌هایی در نحوه بهره‌برداری، مواجهه و دستورکارهای دولت‌های آمریکا در نسبت با متغیر تروریسم در ارتباط با ایران وجود داشته است. در این راستا درحالی که دوران اوباما و ذیل استراتژی کلی سیاست خارجی او، ایالات متحده ضمن تفکیک بین موضوع تروریسم و سایر عرصه چالشی میان ایران و آمریکا، این مسأله با احتیاط بیشتری در دستورکار قرار گرفته بود، در دوره ترامپ و به‌ویژه پس از خروج از برجام، ایالات متحده ضمن کنار گذاشتن احتیاط و بازنگری در سیاست ضدتروریسم با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران و اتصال آن با سایر متغیرهای تنش‌زا میان دو طرف هم‌چون موضوع هسته‌ای، موشکی، فضایی و منطقه‌ای، سعی در تهدیدسازی همه‌جانبه از ایران ذیل استراتژی فشار حداکثری دارد که برآیند آن‌را می‌توان در اسناد، گزارش‌ها و اظهارات مقامات ایالات متحده در این دوران از طرفی، و اقدامات تهاجمی هم‌چون وارد کردن مجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی و

ترور سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس، از طرف دیگر ملاحظه کرد. در واقع در این دوره، موضوع تروریسم نه به عنوان یک متغیر مستقل، بلکه به عنوان یک موضوع متأثر از دال مرکزی استراتژی و فشار حداکثری مورد توجه قرار گرفت؛ موضوعی که موفقیت ایالات متحده در اجماع سازی و اقناع جامعه مخاطب امنیتی سازی را با تردید مواجه کرد. عدم همراهی کشورهای اروپایی با تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و هم چنین عدم موافقت اتحادیه اروپا و کشورهای هم چون فرانسه با تروریستی خواندن مجموعه حزب الله مصداق بارزی بر این ادعاست.

پی نوشت

(۱) یمن جنوبی در ۱۹۹۰ (بعد از اتحاد با جمهوری عربی یمن معروف به یمن شمالی)، عراق در ۲۰۰۴، لیبی در ۲۰۰۶، کره شمالی در ۲۰۰۸، کوبا در ۲۰۱۵ و سودان در سال ۲۰۲۰ از این فهرست خارج شدند. هرچند دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷، مجدداً کره شمالی را به این فهرست اضافه کرد.

(۲) محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران این اقدام را «دزدی» خواند و در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد، از او خواست تا از ایالات متحده بخواهد «به تعهدات بین المللی خود» عمل کند و از نقض «اصل بنیادی مصونیت دولت ها» خودداری ورزد.

(۳) جنبش عدم تعهد که به اختصار به آن نم^۱ نیز گفته می شود، یک سازمان بین المللی به شمار می رود که در دوران جنگ سرد (۱۹۶۱ میلادی) و به منظور واکنش به بلوک بندی قدرت های بزرگ در میان کشورهای مستقل و تازه استقلال یافته به ویژه جهان سوم شکل گرفت. هم اکنون ۱۲۰ کشور که تقریباً بیش از دو سوم اعضای سازمان ملل متحد و ۵۵ درصد جمعیت دنیا را تشکیل می دهند، عضو جنبش عدم تعهد هستند.

(۴) دولت جدید ایالات متحده، انصارالله را در ۱۶ فوریه ۲۰۲۱ از فهرست گروه های تروریستی و به تبع آن تحریم های آمریکا خارج کرد. وزارت خارجه آمریکا در این زمینه اعلام کرد که: «از این پس افراد و نهادهای آمریکایی نیازی نیست از دفتر کنترل دارایی های خارجی

1. NAM

وزارت خزانهداری^۱ به منظور انجام معاملات یا انجام فعالیت‌هایشان در ارتباط با انصارالله درخواست مجوز کنند؛ مگر اینکه افراد یا فعالیت‌های تحریم شده دیگری مدنظر باشد» (هادسون و ریان^۲، ۲۰۲۱).

(۵) بخشی از مدارکی که توسط «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» از اسناد بن‌لادن گزینش و به‌عنوان سند همکاری ایران با القاعده منتشر شده است، بازگویی همان روایت تلاش القاعده برای فرار از جنگ در افغانستان و پناه‌بردن و بازداشت شدن اعضایش در ایران است.

(۶) وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن رد این اتهامات معتقد است که آمریکا و اسرائیل برای شانه‌خالی کردن از مسئولیت اقدامات خود در حمایت از این گروه‌های تروریستی در منطقه، تلاش می‌کنند با انتشار اطلاعات ساختگی در رسانه‌ها، به تهدیدسازی از جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با چنین گروه‌هایی می‌پردازند (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹/۰۸/۲۴).

(۷) این اقدام ایالات متحده در حالی با استقبال متحدان منطقه‌ای آمریکا هم‌چون عربستان سعودی، بحرین و رژیم صهیونیستی مواجه شد که از طرف اغلب اعضای جامعه بین‌المللی و حتی متحدان اروپایی آمریکا به‌عنوان مخاطبان اصلی جامعه امنیتی‌سازی، با سکوت، بی‌تفاوتی یا واکنش منفی همراه بود. به‌عنوان مثال در حالی که اتحادیه اروپا و به‌ویژه تروئیکای اروپایی (انگلستان، آلمان و فرانسه) سکوت منفعلانه‌ای در مقابل این اقدام آمریکا نشان دادند (یورونیوز، ۲۰۱۹)، چین و روسیه از آن انتقاد کردند. در این راستا سخنگوی وزارت امور خارجه چین درباره اقدام آمریکا مبنی بر قرارداد نام سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی گفت: «چین کشورها را به رفتارهای منطبق با قوانین روابط بین‌المللی دعوت می‌کند و می‌خواهد با قلدردم‌آبی مقابله شود».

1. OFAC
2. Hudson & Ryan

فهرست منابع

- تخشید، محمدرضا؛ جلائیان مهری، فاطمه (۱۳۹۶)، سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و تروریسم در منطقه خاورمیانه، فصل‌نامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۱: ۵۶-۴۱.
- زارع‌زاده ابرقویی، رسول (۱۳۹۶)، نگاه کپنهاگی به امنیتی‌سازی: مبانی و چالش‌ها، فصل‌نامه آفاق امنیت، سال دهم / شماره سی و ششم، پاییز ۱۳۹۶.
- روزنامه شرق (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۵)، ۱۲۰ کشور علیه رأی دادگاه آمریکایی، نمایه‌شده در مگیران. قابل دسترس در: <https://www.magiran.com/article/3354022>
- مرادی‌فر، سعیده؛ امید، علی (۱۳۹۳)، برسازي امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران، سیاست جهانی، سال سوم، شماره ۴، صفحه ۱۴۹-۱۲۱.
- طلوع‌نیوز افغانستان (۱۳۹۹)، در گفت‌وگو با محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، (۲۹ آذر ۱۳۹۹). قابل دسترس در: <https://tolonews.com/fa/afghanistan-168676>
- وزارت امور خارجه (۲۴ آبان ۱۳۹۹)، واکنش سخنگوی وزارت امور خارجه در خصوص برخی گزارش‌های منتشرشده مبنی بر ادعای ترور یک مقام گروه تروریستی القاعده در ایران، قایل دسترسی در: <https://mfa.gov.ir/portal/NewsView/617037>
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ قرشی، سیدیوسف (۱۳۹۱)، نظریه و روش در مطالعات امنیتی‌کردن، مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۴، صفحه ۴۲-۷.
- غرایق‌زند، داود (۱۳۸۷)، سیاست خارجی دولت دوم جورج واکر بوش در قبال ایران: سیاست سد نفوذ (۸-۲۰۰۴)، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۴۳: ۱۱۷-۸۳.
- یورونیوز (۲۰۱۹)، سکوت اتحادیه اروپا در مقابل قرارداد سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا، یورونیوز فارسی، (۲۰۱۹/۴/۹). قابل دسترس در: <https://per.euronews.com/2019/04/09/euronews->
- قیصری، محمد؛ باقری، ابراهیم (۱۳۹۹)، رویکرد ایالات متحده آمریکا در امنیتی‌سازی و تهدیدسازی از برنامه فضایی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱۰، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۹: ۱۱۰-۱۳۲.
- حسینی نصرآبادی، نرجس‌سادات (۱۳۹۹)، تروریسم به مثابه ابزار رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌ها، فصل‌نامه آمایش جغرافیایی فضا، سال دهم، شماره مسلسل ۳۵: ۱۷۸-۱۶۱.
- Bahgat, G (2003) Iran, the United States, and the War on Terrorism, *Studies in Conflict & Terrorism*, 26:2, 93-104, Available at: <http://dx.doi.org/10.1080/10576100390145189>
- Bulos, Nabih (2014) Video Shows Syrian Rebels may have U.S Made Antitank Missiles, Retrieved From Losangles Time.
- Byman, Daniel (2007) *Iraq and the Global War on Terrorism*, Washington: Brookings Institution Press.
- Chengu, Garikai (2014) How the U.S Helped Create Al Qaeda and ISIS, Retrived From Counterpunch.org.

نشریه علمی سیاست دفاعی

- Country Reports on Terrorism 2016 (2017), Available at: <https://www.state.gov/country-reports-on-terrorism-2016/>
- Country Reports on Terrorism 2017 (2018), Available at: <https://www.state.gov/country-reports-on-terrorism-2017/>
- Country Reports on Terrorism 2018 (2019), Available at: <https://www.state.gov/country-reports-on-terrorism-2018/>
- Country Reports on Terrorism 2019 (2020), Available at: <https://www.state.gov/country-reports-on-terrorism-2019/>
- DePetris, Daniel R (7 July 2016). "The 28 Pages: What's Taking So Long?". The National Interest. available at: <https://nationalinterest.org/blog/the-skeptics/the-28-pages-whats-taking-so-long-16095>
- Durden, Tyler (2015) Secret pentagon Report Reveals U.S Created ISIS as a Tool to Overthrow Syria's President Assad, Retrieved From zerohedge.com.
- Goldman. A, Schmitt. E, Fassih. F & Bergman. R (27 Nov 2020). Al Qaeda's No. 2, Accused in U.S. Embassy Attacks, Was Killed in Iran". New York Times, Available at: <https://www.nytimes.com/2020/11/13/world/middleeast/al-masri-abdullah-qaeda-dead.html>
- Harrison.R.(2020), The U.S.-Iran Showdown: Clashing Strategic Universes Amid a Changing Region, Middle East Institute, available at: <https://www.mei.edu/publications/us-iran-showdown-clashing-strategic-universes-amid-changing-region>
- Herszenhorn, D.M. (2020). Terror trial in Antwerp to test EU-Iran relations. November 27, 2020. available at: <https://www.politico.eu/article/terror-trial-in-antwerp-will-test-eu-iran-relations/>
- Hicks, K. H., and Dalton, M. G. (2017). Deterring Iran After The Nuclear Deal. Center for Strategic & International Studies(CSIS), Rowman & Littlefield.
- Hudson, J and Ryan M (Feb 6 2021), "Biden administration to remove Yemen's Houthi rebels from terrorism list in reversal of Trump-era policy", The Washington post, Available at: https://www.washingtonpost.com/national-security/biden-yemen-rebels-terrorist-list/2021/02/05/e65e55c8-5b40-11eb-aaad-93988621dd28_story.html
- Justification Congressional Budge. (2020). Department of State, Foreign Operations, and Related Programs. Fiscal Year. Available at: <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/02/FY-2021-CBJ-Final.pdf>.
- Khedery Ali (2014) Why we Stuck with Maliki and lost Iraq, Retrieved from Washingtonpost.com.
- Kredo.A (2018), U.S. Issues New Warning to Europe: End Business With Iran or Face Harsh Sanctions, August 2, 2018
- Mamedov.E (2018), The Politics Behind The Sabotage Of The Iran Deal In Europe, JULY 6, 2018
- Nichols, M. (2020). Arms seized by U.S. missiles used to attack Saudi Arabia 'of Iranian origin': U.N., Reuters (JUNE 12, 2020), available at: <https://www.reuters.com/article/us-iran-usa-un-idUSKBN23J08C>
- Norman.L and Dalton.M (2018), U.S. Accuses Iran of Terror Plots in Effort to Sway Europe, August 3, 2018 November. 5, 2018, Accessible at: <https://www.nytimes.com/2018/11/05/world/europe/us-iran-sanctions-europe.html>
- Phillips, J. (2021). Index of US Military Strength. The Heritage Foundation. available at: <https://www.heritage.org/2021-index-us-military-strength/assessing-threats-us-vital-interests/iran>

- Phillips, J. (2018). Iran's Economy Can't be Shielded from U.S. Sanctions. Nationalinterest. August 16, 2018. available at: <https://nationalinterest.org/blog/middle-east-watch/irans-economy-cant-be-shielded-us-sanctions-28942>
- Pompeo, Michael R (18 oct 2018). "Confronting Iran: The Trump Administration's Strategy", Available at: <https://es.usembassy.gov/confronting-iran-the-trump-administrations-strategy/>
- Pompeo, M (2021). Pompeo alleges Iran new 'home base' of Al-Qaeda, France 24 (12/01/2021). Available at: <https://www.france24.com/en/live-news/20210112-pompeo-alleges-iran-new-home-base-of-al-qaeda>
- Quoted from Pompeo in U.S. Department of state. (2019). Iran's Assassinations and Terrorist Activity Abroad. U.S. Department of state. May 22, 2020. available at: <https://www.state.gov/irans-assassinations-and-terrorist-activity-abroad/>
- Richards, A. M. C. (2015). Iran as a Strategic Threat to the US in the Middle East and Its Impact on US Policy in the Region.
- Richards, A. M. C. (2015). Iran as a Strategic Threat to the US in the Middle East and Its Impact on US Policy in the Region.
- Robinson, Kali (2020). What Is Hezbollah?. Council on Foreign Relations. September 1 2020. Available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/what-hezbollah>
- Sales, N (2020), UNOCT Virtual Counterterrorism Week 2020: Strategic and Practical Challenges of Countering Terrorism in a Global Pandemic Environment, UN Counter-Terrorism Centre (UNCCT). Available at: https://www.un.org/counterterrorism/sites/www.un.org.counterterrorism/files/200710_vct_wk_closing_remarks_by_amb_nathan_sales.pdf Top of Form
- Sciolino, E (1993). "Christopher Signals a Tougher U.S. Line Toward Iran", The New York Times, 30 March 1993. Available at: <https://www.nytimes.com/1993/03/31/world/christopher-signals-a-tougher-us-line-toward-iran.html>
- Stritzel, H. (2007). Towards a theory of securitization: Copenhagen and beyond. European journal of international relations, 13(3), 357-383.
- U.S Department of state, national counter terrorism centre (2018), Lebanese Hezbollah Sponsored Operational Activity in Europe, 1979-2018, JULY 5, 2018, Accessible at: <https://www.state.gov/select-iran-sponsored-operational-activity-in-europe-1979-2018/>
- U.S Department of state, national counter terrorism centre (2018), Select Iran-Sponsored Operational Activity in Europe, 1979-2018, JULY 5, 2018, Accessible at: <https://www.state.gov/select-iran-sponsored-operational-activity-in-europe-1979-2018/>
- United States Department of State, national counter terrorism centre (2018), Country Reports on Terrorism 2017, SEPTEMBER 19, 2018
- US Department of State. (2019). Designation of the Islamic Revolutionary Guard Corps, OFFICE OF THE SPOKESPERSON, April 8, 2019, Available at: <https://www.state.gov/designation-of-the-islamic-revolutionary-guard-corps/>
- Wæver, O (1993). Securitization and desecuritization. Copenhagen: Centre for Peace and Conflict Research.
- Witts, T (2015). the Regional Impact of U.S Policy toward Iraq and Syria, Washington: Brookings Institution Press.

